

خلاصه نظرات یاران نور جلسه ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

آقای حسن نواب: مشکل جلسه قبلی مجددا در دستور کار است که بیشتر بحث شود مشکل عموم خیریه ها که نتوانسته اند روی ایجاد اشتغال کار کنند این است که ۶۰-۷۰ درصد مددجویان در کلاسهای توانمند سازی شرکت نمی کنند و اگر آنها را از لیست خیریه حذف کنیم به راحتی به خیریه های دیگر مراجعه میکنند. کار برایشان جاذبه ای ندارد و گرایشی به ارتقا از خود بروز نمیدهند.

آقای رضایی: بحث فعلی ما مرکز توانمند سازی نور است که تابلو آن مربوط به ایجاد اشتغال می باشد. ما باید به صورت تخصصی وارد ایجاد اشتغال شویم. چند جلسه با آگاپه (سامانه ای که حدود ۴۰۰۰ خیریه را ثبت کرده) داشته ایم، با آنها در ارتباط و تبادل تجربه هستیم. آقای دکتر متقی از آگاپه می گویند دنبال کسانی بروید که علاقمند هستند کار کنند مگر کسانی که توان کار کردن ندارند.

آقای حسن نواب: در جلسه با آگاپه به دنبال طراحی مدلی هستیم که برای سه گروه زیر راهکارهای مناسب آن گروه را پیدا کنیم:

- (۱) نیازمندی که توان کار در منزل و خارج از منزل ندارند.
- (۲) نیازمندی که مهارت دارند ولی شغل ندارند.
- (۳) نیازمندی که نه مهارت دارند نه شغل

آقای ذاکر: خیریه الگوهایی از مددجویان بسازد، هرکس حاضر به کار شهر محل زندگی اش بهبود پیدا کند که تشویق شود ادامه دهد. به مرور با خیریه های مشابه هماهنگی شود که از دادن کمک های بلاعوض برای کسانی که توانمندی کار دارند خودداری کنند.

شهر تبریز و اصفهان چون پول به فقیر نمیدهند، فقیر ندارند.

آقای عراقی: اگر کسی که کار نمی کند و توان کار دارد پول ندهید و اگر همه این کار را بکنند او مجبور میشود کار کند، با افراد قرار داد کار بسته شود حتی اگر خودش هم کار کند میشود با او قرار داد کار بست. در سازمانهای مختلف افراد به راحتی در آموزشها شرکت نمی کنند مگر اینکه بدانند ارتقا پیدا می کنند.

آقای رضایی: آگاپه و سامانه هایی مانند: my job، سلام، آچاره و ... اگر کسی چه مددجوی خیریه باشد چه نباشد ولی انگیزه کار کردن داشته باشد امکان اشتغال برای او ایجاد می کنند در این مجموعه شورایی تشکیل شده و با شناسایی توانمندی ها، آموزش ها، سرمایه، تجهیزات، بازار تولید و ... ظرفیت ها شناسایی و تکمیل می شود و برای استراتژی سال ۱۴۰۰ نورالزهرا(س) می توانیم از این ظرفیت ها استفاده کنیم.

آقای رزمان: از تهدید هم برای کسانی که توان کار دارند ولی تن به کار نمی دهند خوب است استفاده شود و زیان های آن برایشان توجیه شود. آمریکا در این مدت که کمک میکند به مردم برای کرونا، کارگر پیدا نمیشود.

آقای دکتر نوائی: هنوز مساله برای من روشن نشده که چه کاری میخواهیم بکنیم؟ اگر جامعه زیادی بخواهیم نگرششان را عوض کنیم که تعداد و تنوع آنها بسیار زیاد است که از عهده گروه ما این کار بر نمی آید، موضوع را خیلی نباید گسترده کرد که از عهده حل آن بر نیاییم. خوب است ببینیم وضعیت فعلی خودمان چیست و یک پله بالاتر آن چیست؟ دنبال حل مسئله محدود مربوط به خودمان باشیم.

آقای طالبی: سه گروهی که آقای حسن نواب مطرح فرمودند، گروهی که توان کار دارند ولی تن به کار نمی دهند اصراری نداشته باشیم که وقت صرف آنها بکنیم ریال نورالزهرا (س) برای زنجیره ای توان کار دارند و مهارت هم دارند آنها را بصورت سیستمی به جاهای که می پذیرند معرفی کند، همچنین کسانی که آمادگی کار دارند مهارت ندارند به مراکز توانمند سازی ایجاد مهارت معرفی شوند.

آقای طباطبایی: هدف خیریه ها کمک به فقر است، خیریه ها باید دنبال ریشه کنی نفر باشند، تجهیزات برای مددجویان باید محسوس باشد، اگر به مددجویی بگوییم، اگر بجای ۱ میلیون مثلا ۲ میلیون به تو می دهیم چه تغییری می کند؟

در جامعه فقرا رو به افزایشند، در خیریه ها خوب است گروه حامی تشکیل شود و دو کار اصلی زیر انجام دهند.

(۱) رساندن صدای فقرا به مسئولین

(۲) تقویت گوش مسئولین برای شنیدن صدای فقرا

خانم دکتر جلوخانی: ما ده سال است که روی توانمند سازی کار کرده ایم. استفاده از نمونه های موفق و نشان دادن آنها به مددجویان خوب است. وقتی خانواده ها میبینند میتوانند به جایگاه بالایی برسند انگیزه پیدا می کنند. قرار دادن افراد لیدر (مادی) برای خانواده ها و استفاده از نظرات و پیشنهاد های خودشان برای بهبود کارشان می تواند خیلی مفید باشد. ما باید حامی باشیم و کم و کسری های نیازمندان را تامین کنیم. مثلا اگر کسی در پرداخت اجاره خانه اش کسری داشت به او وام بدهیم و بعد از چند ماه چند ماه که او امکان پرداخت پیدا کرد پس بدهد. مشاغل خانگی اولویت دارند، چون خیلی از خانواده ها بچه های دارند که پدر و مادر نمی توانند آنها را ترک کنند، یا نشاغلی که نزدیک خانه آنها باشد ترجیح دارد.

آقای حسن نواب: در پاسخ به ابهام آقای دکتر نوائی فرمودند: ما به دنبال حل مسائل اجتماعی نیستیم ما به دنبال این هستیم که تن پرور ها را فعال کنیم و در آنها انگیزه کار کردن ایجاد کنیم ۹۰ درصد کسانی که برای ایجاد اشتغال گام برداشته اند موفق نبوده اند، کمیته امداد، خیریه ها و... همه از این موضوع می نالند، این معضل تن پروری مددجویان خیلی همه گیر است.

آقای دکتر نوائی: با تجربه ۴۰ ساله گذشته، هرجائی یک نمونه سازی موفق انجام شده و یک مدل موفق ساخته شده کار خوب پیش رفته ولی اگر بخواهیم کار خیلی بزرگتری انجام دهیم نمی شود.

مثلا با کسی که حقوقش به آخر ماه نمیرسد از او لیسن مخارجش را خواستیم ، دیدیم برخی هزینه ها را می توانست نکند و به ما های بعد موکول کند ، مثلا بجای ۱ کیلو لوبیا ۵ کیلو خریده بود، مدل هرکسی مخصوص وضع خاص او باید طراحی و عمل شود .این مدل لزوما به درد فرد دیگری نمیخورد . برای او باید مدل مناسب دیگری طراحی کرد . یکی انگیزه دارد ، یکی شناخت الویت ها ندارد ، نیاز های افراد مختلف را بررسی می کنیم و آنها را دسته بندی میکنیم مثلا nدسته مختلف می شوند، آنگاه باید برای هر دسته راه حل مناسب آن طراحی و عمل شود . یکی حاضر میشود سر کار برود ، یکی به خاطر افسردگی حوصله کارکردن ندارد . باید ابتدا او را از افسردگی خارج کنیم .

آقای عراقی : آمریکا بعد از جنگ ویتنام با سربازانی رو به رو شده بود که نتوانسته بودند دانشگاه بروند.

اعلام کرد که یک بسته حمایتی ۱۰۰/۰۰۰دلاری برای درس خواندن از جنگ برگشته ها شهریه تحصیلی پرداخت می کند که بروند درس بخوانند که بودجه خوبی برای توسعه دانشگاه ها ایجاد شود. ولی در سیستم ها امتیازاتی داده شد که مشکلات زیادی در دانشگاه ها ایجاد کرد.مدلی که تا به حال خیریه ها داشته اند پویا نبوده ، چون مددجویان پول میگیرند و کار نمی کنند، باید کاری بکنیم که افراد حداکثر تلاش خود را برای بهبود زندگی خودشان انجام دهند .باید از مدل جایزه رفتاری استفاده کنیم و به افرادی که تلاش می کنند جایزه دهیم.

آقای رضا نواب : تجربه ای از زمانی که کانادا بودم دارم . در آنجا افرادی از منحصمین بودند که در ماه چند ساعت وقت خود را بصورت داوطلبانه صرف کمک به سازمانهایی که نیازمند به کمک روانشناسی و مشاوره و ... داشتند می کردند ، اگر خیریه بتواند یک سیستم داوطلبانه برای استفاده از این متخصصین خوب است ، هر انسانی برای خودش یک کتاب است و نمی شود برای همه یک جور نسخه پیچید.باید برای هرکسی نسخه خاص خودش را پیچید این داوطلبان بروند با تک تک مددجویان صحبت کنند و برای آنها نسخه خاص خودش را پیشنهاد بدهند. چون این کار هزینه زیادی دارد اگر بخواهیم از داوطلبان استفاده نکنیم.

خانم چرمی : ما موسسه کاریابی نیستیم . مخاطب شناسی فرایند بزرگی است . باید جامعه هدف خود را تعریف کنیم ، مثلا افراد ۴۰سال به بالا ، خانم باشند یا آقا؟ در خانواده چه نقشی دارند ؟ مسئولیت پدر یا مادر را دختر ندارد و... اگر ما مقطع سنی و جامعه هدف خود را تعریف کنیم . به یکی می گوییم باید ۱۰ جلسه بیاید در کلاس شرکت کند ، یکی را باید روان و حالشان را خوب کنیم ، ما فقط نمیخواهیم اشتغال ایجاد کنیم ، می خواهیم افسردگی و حالشان را هم خوب کنیم . خوب است هر خیریه ای متمرکز روی مخاطبان خاصی باشد.

آقای دکتر نوائی : ما میتوانیم طبقه بندی رفتار بکنیم ، قرآن می گوید به بعضی باید صدقه داد ، به بعضی قرضه الحسنه و...مخاطب شناسی بسیار مهم است .آقای دکتر سنجی کتاب مخاطب شناسی نوشته اند ، از ایشان دعوت کنیم در گروه ما بیایند (من میتوانم ایشان را دعوت کنم).یک نمونه کامل بسازیم ، یک چرخه کامل این است که از درماندگی به اشتغال برسند، ما با بچه های خاک سفید که هم فقر فرهنگی داشتند و هم فقر مادی کار کردیم، عده

ای از آنها در چرخه ای هستند که آمده اند و به این کار کمک می کنند، مخاطب شناسی دقیقی انجام شود و مشخص کنیم که در چه حوزه ای می‌خواهیم وارد شویم.

آقای طباطبایی: مددجو ها در جاله افتاده اند، شاخص های را شناسایی کنیم که آنها را بصورت پایدار از جاله خارج کند به طوری که بایک تلنگردوباره در چاله نیوفتند. آن که در ته چاله چسبیده و نمیخواهد بیرون بیاید بیمار است، باید این بیماری را درمان کرد.

آقای حسن نواب: موضوع ما مرکز توانمند سازی نور است، ما با سازمانهای که مهارت آموزش میدهند و اشتغال ایجاد می کنند رابطه سیستمی و آنلاین داریم. گاهی برخی کلاسها با ۱۰ نفر شروع و به ۴ نفر ختم می شود، شرط گذاشتیم که هرکس کامل نیاید، باید هزینه کلاس ها را بدهد. قرار شد آقای نواب موضوع جلسه بعد را که ۴ تیرماه ساعت ۶-۸ هست را اعلام کنند.